



دادیم. البته با اینکه بازهم باران می‌بارید و سرمای هوا بسیار زیاد بود اما شرایط آب و هوایی از شب قبل قدری بهتر شده بود و دید مناسب‌تری داشتیم که دقایقی بعد بالگرد را با همان پهپاد پیدا کردیم.

◀ محل استقرارتان به بالگرد نزدیک بود؟
حدود ۲ کیلومتر فاصله داشت.

◀ پس بعد از پیدا شدن محل سقوط بالگرد زود به محل رسیدید؟
به لحاظ کیلومتری فاصله ما نزدیک بود اما به خاطر شرایط نامساعد زمین



و ناهمواری‌ها و هم‌میتون بارندگی شب گذشته، زمین‌ها لغزنده شده بود و ما نمی‌توانستیم خودمان را به سرعت به محل سانحه برسانیم. شاید اگر شرایط آن منطقه و صعب‌العبور بودن محیط نبود می‌توانستیم خودمان را حداکثر حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه به محل برسانیم اما بنا بر شرایط محل بارها لیز خوردیم و چندین بار ۲-۳ متری به پایین سقوط کردیم و فقط به خاطر اینکه زمین‌ها به خاطر بارندگی نرم بود آسیب جدی ندیدیم.

◀ پس از رسیدن به محل اولین تصویری را که مشاهده کردید توصیف می‌کنید؟

حدود ساعت ۵ صبح بود بالگرد شهید رئیسی را از دور دیدیم خودمان را به بالگرد رساندیم و همانجا بود که متوجه شدیم همه افراد داخل بالگرد به شهادت رسیدند ما اولین نفراتی بودیم که به بالگرد رسیدیم و در تماس با تیم‌های امدادی محل دقیق را اعلام کردیم تیم‌ها خودشان را به محل سانحه رساندند و بلافاصله وسایل و تجهیزات لازم برای انتقال پیکر شهدا به محل آورده شد و عملیات انتقال را آغاز کردیم و تقریباً تا ۱۰ صبح همه پیکرها به محل معراج شهدای تبریز منتقل شد.

در سوانحی که بالگرد سقوط کند امکان زنده ماندن بسیار بسیار ضعیف است. آمار سوانح بالگردها در دنیا را بررسی کنید به حرف من می‌رسید. اگر بالگردی فرود سخت داشته باشد ممکن است کسی زنده بماند اما وقتی سقوط باشد زنده ماندن محال است. این یک تجربه جهانی است. بالگرد شهید رئیسی و همراهان فرود سخت نداشت

◀ و خودتان هم برای جست و جوراهی منطقه جنگلی دیزمار شدید؟

بله من و آقای نامی رئیس سازمان مدیریت بحران به داخل منطقه جنگلی راه افتادیم. هوا بارانی بود و مه آلود به طوری که شعاع دیدمان ۳ یا ۴ متر بیشتر نبود. شرایط بسیار سختی بود و محیط ما جنگل و کوه و تپه و زمین‌های ناهموار بود. به واقع همین مؤلفه‌ها پیشرفت ما را کند کرده بود. من و آقای نامی از لحظه‌ای که وارد منطقه شدیم تا اذان صبح جست و جو را ادامه دادیم اما همان‌طور که گفتم نه لوکیشن‌های اعلام شده ما را به محل سانحه رساند و نه شرایط جوی به صورتی بود که بتوانیم سرعت کارمان را با دقت بالا پیش ببریم. اذان صبح ما به خانه‌ای در روستایی به نام اوزی رسیدیم. یک خانمی صاحبخانه بود خانه روستایی بود اتاقی در طبقه بالا داشت که ما از او اجازه گرفتیم و نماز صبح را آنجا خواندیم. بعد از نماز دوباره راه افتادیم و عملیات را ادامه دادیم.

◀ شما هم با خودتان پهپاد داشتید؟
بچه‌های سپاه پهپادی را در اختیار ما گذاشته بودند که بعد از اذان صبح و زمانی که هوا قدری روشن شده بود آن را پرواز

آن خفیف‌تر است. در روزی که سانحه بالگرد رئیس‌جمهوری پیش آمد متوجه شدم حادثه در سطح ملی است. به همین خاطر بدون فوت وقت جلسه را خاتمه دادم.

◀ در آن زمان حادثه سیل مشهد هم بچه‌های هلال احمر را درگیر کرده بود؟
بله به همین خاطر بلافاصله با معاون بین‌الملل مان تماس گرفتم و از او خواستم تا در زمان مأموریتم به تبریز مسئولیت کنترل اتاق عملیات را از تهران به عهده بگیرد. از آنجا که ما در مجموعه هلال احمر فضایی داریم که می‌توانیم همه عملیات را از اقصی نقاط کشور مانیتورینگ کنیم در تهران اتاق عملیات را تشکیل دادیم و من مقرر شد بعد از رفتن من معاون بین‌الملل سازمان تیم‌های نظارت بر عملیات را در اتاق عملیات جمع و تمام زوایای عملیات را زیرنظر داشته باشند. با اینکه بچه‌های هلال احمر و سایر تیم‌های امدادی هم در تلاش برای یافتن ردی از بالگرد ناپدید شده بودند.

◀ پس از اینکه به نزدیکی محل سانحه رسیدید تیم‌های عملیاتی در چه وضعیتی بودند؟

وقتی به آنجا رسیدیم به سراغ همراهان رئیس‌جمهوری در دو بالگرد اول و سوم رفتیم و پس از صحبت با آنها جوانب ماجرا را جویا شدم. در آن لحظه سردار سلامی - فرمانده کل سپاه - و سردار خاکپور - فرمانده نیروی زمینی سپاه - در محل بودند. نشستیم و باهم مذاکره کردیم. بعد از آن به سراغ خلبان‌های بالگرد اول و سوم رفتیم و با آنها صحبت کردیم تا بدانیم در چه وضعیتی هستیم و بالگرد دوم چه سرنوشتی پیدا کرده است. سپس تا حدودی وضعیت آن منطقه برای مان روشن شد. محل ناپدید شدن بالگرد در شمال ورزقان بود.

◀ در آن لحظات ظاهراً پهپادها و کوادکوپترهایی هم به دنبال ردی یا سرنخی از بالگرد بودند و لوکیشن‌هایی را هم به شما دادند؟

بله اما هیچ‌کدام از لوکیشن‌هایی که از طرف دستگاه‌های مسئول به دست مان رسید درست نبود. در واقع همه لوکیشن‌ها کاملاً غیرمنطقی و غیرواقعی بود و فاصله تقریبی لوکیشن‌ها با محل حادثه که بعداً مشخص شد، زیاد بود. ما بیش از ۹۰ تیم از نیروهای بسیج و سپاه تا امدادگران هلال احمر و بچه‌های محلی را تشکیل دادیم.